

صد و چهارمین سالروز استرداد استقلال افغانستان فرخنده و گرامی باد!

شاه امان الله در 28 اسد سال 1298 خورشیدی مطابق 19 اگست 1919 میلادی، استقلال افغانستان را از حکومت استعماری انگلیس پس گرفت و معاهده سیاست خارجی با این کشور را لغو کرد.

او اصلاحات گسترده را در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آغاز کرد، اصلاحاتی که به زودی با مخالفت جامعه سنتی افغانستان مواجه شد و شکست خورد.

پس از امان الله خان، همه ساله دولت های افغانستان روز 28 اسد را به عنوان روز استقلال این کشور، گرامی می داشتند و از اقدامات عصر امانی برای کسب استقلال افغانستان، ستایش می کردند اما طی دو سال اخیر و بازگشت دوباره طالبان در قدرت سیاسی تجلیل از این مناسبت کم رنگ بوده است.

طالبان از استقلال افغانستان بدون نام بردن از امان الله خان، سیاست ها و اهداف او، گرامی داشت به عمل آوردند. آنان طی اعلامیه های شان تصریح داشتند که به رهنمایی علمای دینی، روحانیون، بزرگان و با فداکاری جوانان استقلال از استعمار انگلیس بدست آمد.

این درحالیست که شماری از روحانیون مرتجع و نوکر انگلیس با سنگ اندازی ها موانع جدی را در راه پیشرفت کشور به وجود آورده و با اغتشاشات موجب سقوط دولت ترقی پسند امانی شدند.

در سال های گذشته، روسای جمهور افغانستان و سایر مقامات دولتی، در سخنرانی های خود به صورت متواتر از امان الله خان، نام می بردند و از سیاست های او برای آوردن اصلاحات در افغانستان، ستایش می کردند.

استقلال و استبداد

شهروندان افغانستان می گویند که میراث یک شاه نوگرا که اصلاحات گسترده را آغاز کرده بود و حقوق همه مردم، بخصوص زنان، را به رسمیت می شناخت، اکنون به دست گروهی افتاده است که بجز «استبداد»، «خودکامی» و «پامال کردن حقوق شهروندان» دیگر کمتر کاری دارند.

مردم طالبان را «ابزار» پیاده سازی سیاست های کشورهای خارجی در افغانستان می دانند و می گویند که اگر افغانستان استقلالی هم داشت و دارد، با تسلط این گروه آزادی های مدنی از بین رفته و استقلال خدشه دار شده است..

حذف زنان از اجتماع و مسدود شدن دروازه های مکاتب بر روی آنها از دیگر موضوعاتی است که شهروندان افغانستان با اشاره به آن، از طالبان انتقاد کرده اند و گفته اند که امان الله خان بعد از استقلال، حضور زنان در اجتماع را به رسمیت شناخت و از آن حمایت کرد، اما اکنون طالبان زنان را از آموزش منع و از جامعه دور کرده اند.

کارکنان نشریه گفتمان من حیث حامی و هوادار استقلال کشور معتقد هستند که حفظ استقلال وابسته به رعایت حقوق و آزادی های مدنی مردم می باشد. هرگاه از نگاه روانی مردم در آسایش و رفاه بسر نبرند چگونه میتوانند از مزایای استقلال و آزادی بهره مند شوند. استقلال ملی در گرو آزادی های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می باشد تا در پرتو آن رفاه عامه جاگزین نارضایتی ها و مخالفتها گردد!